

جایگاه ارزش و ارزش‌شناسی در رویکردهای گذشته‌ی حفاظت و مرمت در محوطه‌ی میراث جهانی تخت جمشید

پریسا عبدالهی*

دانشجوی دکتری مرمت اشیاء تاریخی و فرهنگی، دانشگاه هنر تهران

کورس سامانیان

استادیار گروه مطالعات موزه، و مرمت اشیاء تاریخی و فرهنگی، دانشگاه هنر تهران

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱۲/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۱۰/۲۰

چکیده

بررسی دوره‌های حفاظتی در تخت‌جمشید نشان می‌دهد رویکردها تا ابتدای دهه‌ی ۱۳۴۰ ه.ش عمدتاً معطوف به حفاری و اکتشاف، و پس‌از آن بر موضوع حفاظت و مرمت و بیشتر بر اساس مفاد منشور ونیز متمرکز بوده است. هدف این نوشتار بررسی رویکردهای حفاظتی و مرمتی در تخت‌جمشید با توجه به ارزش آثار در فرآیندهای تصمیم‌گیری است. به این منظور پیشینه‌ی این محوطه‌ی تاریخی هم‌ازلحاظ نگاه جامعه، و هم به لحاظ اقدامات تخصصی در حوزه‌ی حفاظت و مرمت، از طریق مطالعه‌ی منابع موجود موردبررسی قرار گرفته است. نتایج این بررسی‌ها نشان می‌دهند تصمیم‌گیری‌های حفاظتی اتخاذشده، در بسیاری از مواقع تابع شرایط مختلف سیاسی و اجتماعی جامعه بوده است و نه بنا بر ارزش‌های وجودی خود آثار. به‌علاوه در حوزه‌ی عملی نیز بیشتر نگاه حفاظت کالبدی حاکم بوده و پیروی از نسخه‌های از پیش آماده‌ی مرمتی جای تصمیم‌گیری‌های مبتنی بر ارزش میراث تاریخی و فرهنگی را گرفته است.

واژه‌های کلیدی: محوطه‌ی تاریخی، ارزش، حفاظت و مرمت، رویکرد حفاظتی، تخت‌جمشید.

۱. مقدمه

آثار تاریخی در زمان ساخت و با توجه به نیت و هدف سازندگان، دارنده‌ی ارزش‌هایی بوده‌اند که این ارزش‌ها با گذشت زمان و تغییر شرایط و بستر تاریخی و فرهنگی اثر، متحول شده، کمرنگ‌تر یا پررنگ‌تر شده‌اند، گاه به کلی از بین رفته و گاه ارزش‌های دیگری بر آن‌ها افزوده شده‌اند. شناخت این ارزش‌ها برای هر اثری، و تشخیص تقدم یا تأخر آن‌ها نسبت به یکدیگر موضوعی بسیار بااهمیت است که تنها در همان منطقه و با توجه به پیشینه‌ی فرهنگی و اجتماعی آن جامعه قابل جستجو، بررسی و داوری است، و در واقع مبنای تصمیم‌گیری‌های حفاظتی و مرمتی باید بر اساس نتایج این بررسی‌ها و تحلیل‌ها باشد، و نه تنها پیروی صرف از دستورالعمل‌های از پیش تهیه‌شده‌ی مرمتی. در هر جامعه‌ای در دوره‌های زمانی مختلف، ممکن است شرایط اجتماعی، سیاسی، اقتصادی و ...، ضرورت‌های متفاوتی را ایجاد کرده باشند که به‌ناچار بر روی تصمیم‌های اتخاذشده در حوزه‌ی میراث فرهنگی تأثیرگذار بوده باشد. به‌منظور بررسی رابطه و تعامل این عوامل با یکدیگر یعنی: ارزش‌های میراث، رویکردها و تصمیم‌گیری‌های حفاظتی و مرمتی، و محیط یا بستر فرهنگی اثر که در اینجا به‌منظور تحدید دامنه‌ی تحقیق، گوشه‌ای از عوامل اجتماعی حاکم مدنظر است، بخشی از این روابط در محوطه‌ی تاریخی تخت جمشید به‌عنوان یکی از مهم‌ترین محوطه‌های تاریخی در کشور مورد مطالعه قرار می‌گیرند.

تخت جمشید (یا پرسپولیس، پارسه، پرسه‌پلیس، هزارستون، صدستون، یا چهل‌منار)، یکی از مهم‌ترین محوطه‌های تاریخی جهان است که در ۲۴ شهریور ۱۳۱۰ ش. ثبت ملی (نامه شماره ۵۴۰۷۸/۱۸۵۲ مورخ ۷ بهمن ۱۳۱۳ وزارت معارف و اوقاف و صنایع مستظرفه). و در سال ۱۳۵۸ ه.ش (۱۹۷۹ م.) در فهرست میراث جهانی به ثبت رسید (سایت اینترنتی میراث جهانی یونسکو). این محوطه‌ی تاریخی ارزشمند حدوداً از دهه‌ی ۱۳۱۰ ه.ش (۱۹۲۰ م.) تاکنون توسط گروه‌های مختلف از متخصصین خارجی و داخلی، مورد مطالعه و بررسی و اقدامات حفاظتی و مرمتی قرار گرفته، و فرصت‌های بسیاری را در زمینه‌های باستان‌شناسی، حفاظت و مرمت، تاریخی و هنری، علوم پایه و ... در اختیار متخصصین مربوطه قرار داده و خود منشأ کشفیات بسیار بوده است. در حوزه‌ی فنی و اجرایی نیز، استادکاران و هنرمندان و پژوهشگران بسیاری در این محوطه پرورش یافته و تجربه کسب کرده‌اند. اما مرور پیشینه‌ی اقدامات مرمتی و حفاظتی در این محوطه، بیشتر نشان از پیروی از روش‌ها و دستورالعمل‌های اجرایی تعریف‌شده (به‌ویژه شیوه‌ی مرمت ایتالیایی مطابق با منشور ونیز) دارد. به عبارتی توجهات بیشتر معطوف به کالبد آثار بوده است. زمانی می‌توان گفت آگاهی لازم نسبت به اثری کسب‌شده است که: اثر تعریف و توصیف‌شده، و ارزش و اعتبار فرهنگی و تاریخی آن فهم شده باشد؛ مصالح و تکنیک‌های ساخت آن به‌درستی توصیف‌شده باشد؛ و تحقیقات تاریخی دربرگیرنده‌ی تمام دوران حیات اثر شامل تغییرات حاصله در شکل آن و هر مداخله‌ای از گذشته، صورت گرفته باشد (کروچی، ۱۳۸۳: ۲۳۳). در صورتی که از پرداختن به معیار اول یعنی فهم اثر و درک ارزش و اعتبار آن چشم‌پوشی شود، که در بسیاری موارد به دلیل طبیعت پیچیده‌تر مفاهیم در مقایسه با کالبد و جسمیت، کمتر در تصمیمات حفاظتی و مرمتی به چالش کشیده می‌شود، حاصل، پیروی بیشتر از دستورالعمل صرف خواهد بود.

تلاش این جستار بر آن است تا به اهمیت و لزوم دخالت دادن نقش ارزش وجودی آثار در تصمیم‌گیری‌های حفاظتی و مرمتی بپردازد. لازم به ذکر است در رابطه با موضوع ارزش‌های میراث تاکنون

مقالات و رساله‌های ارزشمند بسیاری به چاپ رسیده است، اما آنچه این نوشتار در پی آن است تمرکز بر تأثیر ناشی از برخی تصمیم‌گیری‌ها بر ارزش آثار و حفاظت طولانی‌مدت یا پایدار آنان است.

۲. پیشینه‌ی پژوهش

برای پاسخگویی به سؤال این پژوهش یعنی نقش و اثرات متقابل ارزش‌های میراث فرهنگی و رویکردهای حفاظتی و مرمتی موجود و بررسی و تحلیل نتایج حاصله نیاز بود تا مطالعاتی گسترده در زمینه‌های مرتبط شامل: پیشینه‌ی محوطه‌ی تاریخی تخت‌جمشید (سفرنامه‌ها و گزارش‌ها باستان‌شناسی و ...؛ مطالعات مربوط به دوره‌ی باستان‌شناسی تخت‌جمشید و قوانین و مقررات صادره در کشور و نیز در سطح بین‌المللی در مورد میراث فرهنگی؛ فعالیت‌ها و اقدامات حفاظتی و مرمتی در این محوطه‌ی تاریخی؛ و در زمینه‌ی مبانی و مفاهیم و به‌طور خاص مفهوم ارزش، صورت پذیرد.

اسناد هیئت‌های باستان‌شناسی در ایران از سال ۱۳۵۴-۱۳۴۵ ه.ش، گزارش‌های بررسی‌شده ضمن مروری بر پیشینه‌ی تاریخی و وضعیت ظاهری و حفاظتی تخت‌جمشید از دوران گذشته، نظریات جهانگردان و بازدیدکنندگان از این محوطه‌ی تاریخی را در دوره‌های مختلف گذشته، و نیز اهداف و انگیزه‌های آنان را از سفر به این منطقه بیان می‌کند. همچنین اشاراتی به میزان آگاهی مردم نسبت به میراث فرهنگی دارد (اسناد هیئت‌های باستان‌شناسی در ایران، ۱۳۸۰). سامی در مقاله‌ای به شرح اوضاع تخت‌جمشید در دوره‌های گذشته، پیش از آغاز توجهات و شروع کاوش‌ها و اقدامات حفاظتی در تخت‌جمشید پرداخته، از نامناسب بودن وضعیت این محوطه‌ی تاریخی در سده‌های گذشته پس از اسلام، و مورد بی‌مهری قرار گرفتن آن توسط مردم سخن می‌گوید، تا جایی که به شهادت نوشته‌های خاورشناسان و جهانگردان از سنگ‌های بنای تخت‌جمشید برای ساختمان‌های روستاهای مجاور استفاده می‌شده است. همچنین اشاره‌ای دارد بر این‌که سردار سپه پس از بازدید از تخت‌جمشید در پاییز ۱۳۰۱ ه.ش و مشاهده وضعیت نابسامان آنجا متأثر شده و به‌منظور رفع مشکلات آن گزارشی به دولت ارائه می‌دهد (سامی، ۱۳۵۵). با آغاز پژوهش‌های علمی و کاوش‌های باستان‌شناسی، و به همراه آن جریان اندیشه‌های جدید در دنیا در رابطه با اهمیت و حفظ میراث فرهنگی، تخت‌جمشید نیز مانند بسیاری از آثار تاریخی دنیا وارد مرحله‌ی جدیدی از حیات و وضعیت خود شد. بنا به درخواست دولت و تمایل شخصی ارنست هرتسفلد باستان‌شناس شهیر آلمانی، از سال ۱۳۱۰ بررسی و تحقیق و حفاری در تخت‌جمشید آغاز شد (موسوی، ۱۳۸۱). در واقع شاید بتوان گفت تخت‌جمشید انگیزه‌ای شد تا در ایران، قانون عتیقات (۱۳۰۹ ش.~۱۹۳۰ م.) باهدف سروسامان دادن به وضعیت نابسامان آثار و امکان باستانی و حفاظت و نگاهداری از آن‌ها به تصویب مجلس شورای ملی وقت برسد که در آن بر حفاظت از طریق جلوگیری از هرگونه خراب کردن یا صدمه زدن به آثار ملی، جلوگیری از عملیات ساخت‌وساز در مجاورت ابنیه و ... تأکید شده است و همچنین به استفاده از روش‌های سنتی در مرمت اشاره شده است (غنی و همکاران، ۱۳۸۶). یک سال بعد اصول بنیانی در رابطه با مراقبت و مرمت بناهای باستانی در منشور آتن (۱۹۳۱ م. ~ ۱۳۱۱ ه.ش) به‌عنوان یکی از اسناد قدیمی بین‌المللی مرتبط با موضوع حفاظت و مرمت آثار تاریخی، مطرح شد (ICOMOS, 1931). بنا به گزارش‌های اشمیت، که بعد از هرتسفلد سرپرستی فعالیت‌های مؤسسه شرقی شیکاگو در تخت‌جمشید را عهده‌دار بود، عمده فعالیت‌ها در این دوره به حفاری و کاوش اختصاص داشت، ولی

اقدامات حفاظتی و مرمتی نظیر اتصال برخی قطعات فروریخته و ... نیز انجام شده است (اشمیت، ۱۹۵۳: ۵-۳). با فراگیر شدن جنگ جهانی دوم، هیئت آمریکایی در سال ۱۹۳۹م. ایران را ترک کردند. از سال ۱۹۴۱م. به بعد، علی سامی به‌عنوان مدیر بنگاه علمی تخت‌جمشید، عملیات حفاری و مرمت در تخت‌جمشید را تا سال ۱۹۵۹م. بر عهده گرفت (سامی، ۱۳۴۸: ۳۹۵). گزارش‌های باستان‌شناسی در سال‌های ۱۹۵۱ و ۱۹۶۱م. (۱۳۴۰-۱۳۳۰ ه.ش) خلاصه‌ای از اقدامات سالیانه در تخت جمشید طی این مهروموم‌ها را نشان می‌دهند (اسناد هیئت‌های باستان‌شناسی در ایران، ۱۳۸۰). در سال ۱۹۶۴م. (۱۳۴۳ ه.ش) منشور ونیز تدوین و اعلام شد، که در آن به لزوم توجه به ارزش‌های تاریخی آثار اشاره شده، هدف مرمت را مراقبت و آشکار ساختن ارزش زیبایی‌شناختی و تاریخی یادمان بیان می‌کند (*ICOMOS 1964*). اعلام این منشور با آغاز به کار تیلیا در تخت‌جمشید هم‌زمان بود که سرپرستی گروه مرمت در مؤسسه‌ی ایتالیایی شرق میانه و دور - ایزمئو (۱۹۶۴-۱۹۷۹ م.) متشکل از گروهی از مرمت کاران ایتالیایی با همکاری سازمان ملّی حفاظت از آثار باستانی، را بر عهده داشت. این دوره را می‌توان دوره‌ای شاخص و متفاوت در حفاظت این محوطه‌ی تاریخی دانست زیرا اقدامات بر اساس اصول و مبانی حفاظتی و مرمتی انجام شده، تمرکز اصلی بر مقوله‌ی حفاظت و مرمت بود و نه حفاری و اکتشاف، و کار مرمت با مطالعات گسترده، آزمون‌های عملی، و مهارت همراه بود (تیلیا، ۱۳۵۱: دیباچه). در همین دوره کنوانسیون میراث جهانی باهدف برقراری شیوه‌های مؤثر در جهت حمایت جمعی و مداوم از میراث‌های فرهنگی و طبیعی دارای ارزش‌های جهانی برجسته و استثنائی صادر شد (*UNESCO 1972*). در این دوران که البته با بروز تحولاتی در کشور نیز همراه بود، تخت‌جمشید جایگاه خود را در جهان پیدا می‌کرد، تا جایی که در سال ۱۳۵۰ با برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله در این مکان، در مرکز توجه جهان قرار گرفت (*Kadivar 2002*). بعد از پیروزی انقلاب اسلامی از سال ۱۳۵۸ تا ۱۳۸۰ مدیریت این محوطه‌ی تاریخی بر عهده‌ی افراد مختلف قرار گرفت، و بسیاری از بناها و آثار تاریخی در تخت‌جمشید و سایر محوطه‌های تاریخی استان فارس با مشکلات جدی ناشی از گروه‌های کم تعداد و ناکافی مرمتگر و بودجه و لوازم فنی بسیار محدود روبرو بودند، اما علی‌رغم این کمبودها همچنان فعالیت‌ها در ادامه شیوه‌ی دوره‌ی پیشین توسط افراد ایرانی آموزش‌دیده‌ی مؤسسه‌ی ایزمئو، باعلاقه دنبال می‌شد. با تأسیس بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد در سال ۱۳۸۰ سیر هدفمند و رو به رشد فعالیت‌ها مجدداً از سر گرفته شد. موسوی در فصل هشتم کتاب دیگر خود به بررسی نتایج چهل سال پژوهش و مرمت (۱۹۳۹ تا ۱۹۷۹م.) در این محوطه می‌پردازد و به‌طور اجمالی نگاهی بر دوره‌های مرمتی و حفاظتی تا زمان اخیر دارد و برخی اقدامات و تصمیم‌گیری‌های مرمتی که از اوضاع و شرایط اجتماعی و به‌ویژه سیاسی زمان خود نشأت گرفته بودند را تحلیل می‌کند (*Mousavi 2012*).

درمجموع بررسی پیشینه‌ی پژوهش نشان می‌دهد فعالیت‌ها در تخت‌جمشید در دوره‌های اولیه بیشتر بر موضوع باستان‌شناسی متمرکز بود و سپس با تغییر دیدگاه‌ها به سمت‌وسوی حفاظت و مرمت کشیده شد. اما نکته قابل‌تأمل این است که گزارشات مربوط به این محوطه‌ی تاریخی، تأکید بیشتر بر روی روش‌های انجام فعالیت‌ها و اقدامات حفاظتی و مرمتی و به عبارتی حفظ و نگهداری کالبدی آثار تخت‌جمشید را نشان می‌دهد. به نظر می‌رسد علی‌رغم اشراف به موضوع ارزش‌ها و اهمیت آن در میراث فرهنگی، و نیز اهمیت شناسایی و حفظ و بازنمایی این ارزش‌ها در تصمیم‌گیری‌ها و اقدامات حفاظتی و مرمتی، همچنان میان این

دو مقوله یعنی پرداختن به فلسفه‌ی ارزش و حفظ آن، و اقدامات حفاظتی و مرمتی، ارتباط و پیوند اجرایی و عملی لازم برقرار نشده است.

۳. روش تحقیق

این پژوهش از نوع بنیادی-کاربردی است که به بررسی و تحلیل رویکردهای حفاظت و مرمت بر اساس مبانی و دیدگاه‌های مطرح در این حوزه می‌پردازد. به این منظور بخش عمده‌ای از فعالیت پژوهشی به گردآوری منابع و اطلاعات کتابخانه‌ای در مورد تخت‌جمشید و تاریخ و پیشینه‌ی آن، اقدامات انجام‌شده به‌منظور حفاظت و صیانت از این محوطه‌ی تاریخی از گذشته تاکنون، و همچنین مطالعات مربوط به ارزش‌های میراث و شناسایی و درک آن‌ها اختصاص یافت. سپس به تحلیل نتایج حاصله از هر مبحث و بررسی ارتباط و تعامل یا تقابل آن‌ها با یکدیگر پرداخته شد. گردآوری اطلاعات موردنیاز برای تجزیه و تحلیل و بررسی پدیده مورد مطالعه در این پژوهش کتابخانه‌ای و میدانی است که مشتمل بر اسناد و مدارک تاریخی (شامل کتاب‌ها، مقالات، اطلاعات و گزارشات دولتی و غیردولتی، اسناد رسانه‌ای، پروژه‌ها و طرح‌های مرتبط و...)، مصاحبه^۱ و مشاهده می‌باشد. اقدامات حفاظتی و مرمتی انجام‌شده در تخت‌جمشید در دوره‌های مختلف بررسی‌شده، رویکردهای حفاظتی هر دوره با توجه به شرایط اجتماعی و بستر فرهنگی حاکم، مستندات مبنایی حوزه حفاظت و مرمت مانند منشورها، بیانیه‌ها و دستورالعمل‌ها، و قوانین و مقررات مربوط به میراث فرهنگی کشور مطالعه و بررسی می‌شوند.

۴. بحث و تحلیل

هر چیزی که طبق تعریف میراث نامیده می‌شود، به‌طور ذاتی دارای انواعی از ارزش‌های میراثی است. همچنین، نظریه‌ی دیگر به‌درستی به عوامل شکل‌دهنده‌ی ارزش در خارج از خود شیء اشاره کرده و بر روی فرآیندهای اجتماعی مهم ایجاد ارزش تأکید می‌کند (Mason 2002). یک محوطه، بنا، یا اثر تاریخی، در یک‌زمان مشخص، حاوی ارزش‌های مختلفی است، ارزش‌های میراث مشروط بوده، به‌سادگی "یافت" نشده و ثابت و تغییرناپذیر نیستند (Mason 2002). پس می‌توان گفت ارزش پدیده‌ای نسبی است، که ثابت نبوده و چون خاستگاه آن جامعه‌ی انسانی است، بدون در نظر گرفتن زمینه‌های اجتماعی تولیدکننده‌ی آن قابل تعیین نمی‌باشد (Throsby 2000).

انتشار منشور ونیز در سال ۱۹۶۴ م. با تأکید بر ارزش‌های تاریخی (ICOMOS 1964)، و دستورالعمل‌های کنوانسیون میراث جهانی در سال ۱۹۷۲ با تأکید بر ارزش‌های برجسته جهانی، اولین اسناد مدون در زمینه‌ی حفاظت از میراث فرهنگی بر مبنای شناخت ارزش به شمار می‌آیند (UNESCO 1972). در اسناد و قوانین داخلی کشور نیز با وجود توجهات نسبت به میراث فرهنگی، چنانچه قانون تشکیل وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه در سال ۱۲۸۶، نخستین سند قانونی است که وظایف دولت در قبال میراث فرهنگی را بیان نموده است (صمدی، ۱۳۸۲: ۱۸) و پس‌از آن تشکیل انجمن آثار ملی در سال ۱۳۰۱، قانون عتیقات در سال ۱۳۰۹ و تصویب نظام‌نامه اجرای آن در سال ۱۳۱۱، و تشکیل وزارت فرهنگ و هنر در سال ۱۳۴۳ و ... قدم‌هایی روبه‌جلو در جهت حفاظت از آثار تاریخی بوده‌اند. نکته قابل توجه این است که با تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور در سال ۱۳۶۴ (بند الف از ماده واحد قانون)، برای نخستین بار با واژه‌ی ارزش‌های نهفته آثار

در اهداف این سازمان مواجهه می‌شویم (صمدی، ۱۳۸۲: ۱۲۷). اما منشور بورا ۱۹۹۹ اولین سند بین‌المللی است که به تفکیک و طبقه‌بندی ارزش‌های میراث فرهنگی پرداخته، مجموع ارزش‌های زیبایی، تاریخی، علمی و اجتماعی را اعتبار فرهنگی می‌نامد و بیان می‌دارد درجات نسبی اعتبار فرهنگی می‌تواند به رفتارهای متفاوت حفاظت در یک مکان منجر شود (ICOMOS 1999). با عنایت به موارد یادشده، هدف نهایی در حفاظت و مرمت آثار تاریخی و فرهنگی، حفظ ماده تنها به خاطر خود اثر نیست بلکه مهم‌تر از آن، حفظ ارزش‌های دربرگیرنده‌ی میراث است. میراث به روش‌های مختلفی ارزش‌گذاری می‌شوند که حاصل انگیزه‌های متفاوت (اقتصادی، سیاسی، فرهنگی، معنوی، زیبایی‌شناسی، و غیره). این شیوه‌های مختلف ارزش‌گذاری، هر یک به نوبه‌ی خود به سمت رویکردهای حفاظتی متفاوتی رهنمون می‌شوند. بنابراین تصمیم مبنی بر اقدام حفاظت مداخله‌ای باید بر اساس اولویت‌بخشی به مفهومی خاص یا مجموعه‌ای از ارزش‌ها باشد (Avrami et al 2000). همان‌طور که فیلیپو می‌گوید، شناخت و اعتبار تاریخی و هنری آثار، وابسته به پیشرفت آگاهی تاریخی و فرهنگ مردم آن جامعه است، و هرگاه شرایط لازم برای کسب ارزش هنری و اجتماعی آثار مهیا شد، مورد محافظت و مراقبت قرار خواهند گرفت (Philippot 1972: 270). بنابراین تحلیل صحیح و نزدیک به واقعیت از اقدامات، تصمیم‌گیری‌ها و رویکردهای حفاظتی هر دوره، بدون در نظرگیری اوضاع فرهنگی و اجتماعی آن دوره امکان‌پذیر نمی‌باشد.

تخت‌جمشید در طی سال‌هایی که کمتر کسی نسبت به آن شناخت داشت، گاه توسط برخی سیاحان (مانند جیمز موریه) مورد گمانه‌زنی قرار می‌گرفت که منجر به پاره‌ای کشفیات می‌شد (کشف بخش شرقی پلکان شمالی آپادانا) و گاه نیز از دستبرد سارقان و جویندگان گنج، و آسیب‌های عمدی خرابکاران در امان نمی‌ماند. سفرنامه‌ها نیز، در کنار بیان شگفتی بازدیدکنندگان و سیاحان از عظمت و شکوه این محوطه‌ی تاریخی، از تأسف آنان بابت بی‌توجهی مردم منطقه نسبت به حفظ این آثار سخن می‌گویند. این موضوع با توجه به شرایط و اوضاع اجتماعی و فرهنگی آن زمان دور از ذهن نیست. ولی درعین حال نکته جالب اینجاست که هرزمان که به هر دلیلی امکان و زمینه‌هایی برای آگاهی‌بخشی و شناخت نسبت به اهمیت میراث گذشتگان به وجود آمد، همین مردم توانستند نقش حفاظتی خود را ایفا نمایند، چنانچه ادوارد براون در سال ۱۸۸۰م. در کتاب یک سال میان ایرانیان، زمانی که از عظمت و شکوه ویرانه‌های تخت‌جمشید سخن می‌گوید، به تلاش ایرانیان برای محفوظ نگاه‌داشتن این آثار از دستبرد بیگانگان و دشمنان از طریق نام‌گذاری آن به تخت‌سلیمان اشاره می‌کند (انصاف‌پور، ۱۳۶۳: ۲۸).

اما رویدادی که در ابتدای سده‌ی هجدهم میلادی در اروپا آغاز شد، و بعدها باگذشت سالیان، اثراتش در ایران نیز مشاهده شد، بروز حس ملی‌گرایی در پیوستگی با آثار تاریخی بود. میان انسان و اثر یا رویداد تاریخی، که به واسطه‌ی گذشت زمان، شکاف و فاصله‌ی تاریخی جدیدی بینشان ایجاد شده بود نوعی ارتباط تازه به وجود آمد. درواقع این فاصله یا شکاف به انسان امکان می‌داد تا رویکردی واقعی‌تر و علمی‌تر نسبت به گذشته و تاریخ داشته باشد ولی درعین حال این دانش یا آگاهی تاریخی به‌خودی‌خود تضمین‌کننده‌ی تداوم و حفظ اثر یا رویداد نبود. بنابراین انسان برای پُر کردن این شکاف و حس دلتنگی نسبت به گذشته، تاریخ‌باوری را با ملی‌گرایی ترکیب کرد (Philippot 1972: 269). و این رویدادی بود که ریشه‌های آن در ایران در اوایل سال‌های ۱۳۰۰ه.ش در حال شکل‌گیری و تکوین بود. با به قدرت رسیدن حکومت پهلوی در سال ۱۳۰۴

ه.ش.، محوطه‌ی تاریخی تخت‌جمشید برای رضاشاه که پیش از آن در پاییز ۱۳۰۱ ه.ش از این محوطه بازدید و از مشاهده وضع نامناسب آن اظهار تأسف نمود بود (سامی، ۱۳۵۵)، موردتوجه ویژه قرار گرفت. به نظر می‌رسد در جامعه‌ی آن روز ایران، که کشور تحت‌فشار و نفوذ بیگانگان مانند روسیه از شمال و انگلستان از جنوب قرار داشت، بیدار شدن حس ملی‌گرایی و وطن‌پرستی به‌منظور التیام غرور خدشه‌دار شده‌ی ایرانی و عرض‌اندام در برابر دول اروپایی، با تکیه‌بر نشانه‌ها و نمادهایی از قدرت و جلال و شکوه ایرانیان باستان، یکی از انگیزه‌های اصلی برای توجه و تمرکز بر میراث کهن تاریخی این کشور، که بخش قابل‌توجهی از آن در تخت‌جمشید متبلور بود، محسوب می‌شد. موضوع قابل‌توجه دیگر، اعطای امتیاز رسمی انحصار کاوش‌های باستان‌شناسی در تمام ایران به مدت شصت سال به دولت فرانسه توسط ناصرالدین‌شاه قاجار در سال ۱۲۷۴ ه.ش بود. تلاش برای لغو این قرارداد ننگین می‌توانست خط‌مشی حکومت وقت (پهلوی) را در بزنگاه آغاز زمزمه‌های ملی‌گرایی و وطن‌پرستی در ایران از حکومت مغلوبه قاجار کاملاً جدا نموده جایگاه بهتری برای خود در میان اقشار جامعه بسازد. از سوی دیگر با کنار گذاشتن فرانسه، فرصت و انگیزه‌ی مناسبی برای باستان‌شناسان کشورهای دیگر از جمله ارنست هرتسفلد به وجود می‌آمد تا با جلب اعتماد دولت به دربار نزدیک شده، گوی سبقت را از دیگر کشورهایی که متوجه آثار تاریخی ایران شده بودند برآید.

| گروه اقدام کننده سال (ه.ش/م.) | اسناد، قوانین و مصوبات مرتبط کشوری و بین‌المللی | رویکردها و دستاوردها | برخی شواهد بر اساس فعالیت‌ها |
|--|--|--|--|
| مؤسسه شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو ۱۳۱۰-۱۳۱۸ / ۱۹۳۱-۱۹۳۹ | *وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه (مصوب ۱۲۸۶ ه.ش): -ازجمله وظایف تعریف‌شده: تشکیل کتابخانه، تأسیس موزه، تحصیل عتیقات و نظارت بر حفاریات، نگاهداری و حفظ آثار قدیمی (بندهای ۲ تا ۵ از ماده ۵ وظایف اداره معارف) همچنین مسؤولیت حفاظت، پژوهش و معرفی میراث فرهنگی بر عهده این وزارت بود *قانون حفظ آثار ملی مصوب ۱۲ آبان ۱۳۰۹ ه.ش: | -رویکرد بیشتر متمرکز بر باستان‌شناسی است. -هدف از حفاری منحصراً کشف آثار ملی و درواقع به دلیل قدیمی بودن آثار است و نه ضرورت حفظ میراث به واسطه‌ی ویژگی‌های دیگر آن. | -موزه تخت‌جمشید در سال ۱۳۱۶ ه.ش -ثبت ملی تخت‌جمشید در سال ۱۳۱۰ -عمده فعالیت‌ها به حفاری و کاوش اختصاص داشت، اقدامات مختصر حفاظتی و مرمتی نظیر اتصال برخی قطعات فروریخته با چسب، و یا نصب پرده‌حصیری روی نقوش برجسته پلکان شرقی آپادانا و ... نیز انجام شده است. |
| بنگاه علمی تخت جمشید (تحت سرپرستی علی سامی) زبر نظر وزارت فرهنگ و اداره کل | -ثبت در فهرست آثار ملی (ماده ۳)؛ کاوش منحصراً در اختیار دولت یا واگذاری به مؤسسات از طرف دولت، و تنها به‌قصد کشف آثار ملی و تحقیقات علمی (ماده ۱۱ و ۱۲) *صدور منشور آتن ۱۹۳۱ م. *نظامنامه اجرای قانون حفظ آثار عتیقه ایران مصوب ۱۳۱۱: -تهیه پرونده کامل از اطلاعات مربوط به اثر (نام، موقعیت جغرافیایی، نقشه، | -توجه و رویکرد اصلی همچنان متمرکز بر باستان‌شناسی است. - به نظر می‌رسد انگیزه‌های ملی و هویتی در حفاظت از میراث در این دوره نقش بسزایی یافته‌اند، زیرا علی‌رغم عدم وجود امکانات و منابع مالی (نسبت به دوره قبل)، اما همچنان گروه ایرانی | -افتتاح کتابخانه در سال ۱۳۲۵ ه.ش -عمده فعالیت‌ها به کاوش اختصاص داشت (مانند بخش جنوبی آپادانا، حیاط شمالی کاخ صدستون و ...)، برخی اقدامات حفاظتی و مرمتی مانند نصب برخی قطعات فروریخته (تأحید که شکل کلی از اثر به دست آید) و انتقال برخی قطعات به موزه، مرمت و بازسازی و حفاظت |

| | | | |
|--|---|---|--|
| <p>بخش‌هایی مانند: حفاظت دیوارهای خشتی، پایه ستون‌ها، مرمت پلکان شرقی آپادانا با ملات ماسه و سیمان، نصب سایبان جهت کاهش تأثیر عوامل جوی بر روی نقش برجسته‌ی پلکان شرقی آپادانا و ...)</p> | <p>به‌طورجدی به فعالیت‌هایشان ادامه می‌دادند. - تا حدودی توجه به حفظ و نگاهداری مدارک و مستندات به چشم می‌خورد که تأسیس کتابخانه در تخت جمشید از شواهد این امر است.</p> | <p>عکس... (ماده ۶) *اساسنامه جدید انجمن آثار ملی مصوب ۱۳۲۳: - تلاش در جلب توجه و علاقه مردم نسبت به آثار تاریخی، تهیه نمونه و همانند از آثار قدیمی (ماده ۱ بندهای الف، ز)</p> | <p>باستان‌شناسی ۱۹۶۱- /۱۹۴۱ ۱۳۲۰-۱۳۴۰</p> |
| <p>- تمرکز و تأکید بر رعایت اصول و قواعد حفاظتی و مرمتی به شیوه‌ی علمی، - فعالیت‌هایی مانند استحکام‌بخشی، جایگزینی بخش‌های کمبود با استفاده از سنگ‌های هم‌جنس، رطوبت‌زدایی و ایجاد فضاهای هواکش در محل‌های مورد نیاز، ... - اعزام کارشناسان ایرانی به خارج از کشور جهت آموزش دوره‌های حفاظت و مرمت</p> | <p>- رویکرد مدیریتی کشور در سطوح قانونی و کشوری به سمت علمی شدن پیش می‌رود. حفاظت از میراث نه تنها به جهت قدمت و تاریخی بودن آثار، که به‌واسطه‌ی پژوهش و کسب اطلاعات علمی مربوطه اهمیت می‌یابد. حفاظت بخش‌های گسترده‌تر اثر شامل عرصه و حریم را نیز دربرمی‌گیرد. - معرفی آثار به همگان، تلاش در جهت آگاهی‌بخشی و آموزش عموم مردم باهدف کمک به حفظ میراث، اهمیت و ضرورت حفاظت از آثار را در سطحی وسیع‌تر (سطح اجتماعی) و درعین‌حال پایه‌ای‌تر و مبنایی‌تر نشان می‌دهد. - ایران چند سال پیش‌ازاین تاریخ، در سال ۱۳۳۸ (۱۹۵۹ م.) به پروتکل اول از کنوانسیون ۱۹۵۴ لاهه، و بعدها در سال ۱۳۵۴ (۱۹۷۵ م.) به معاهده ۱۹۷۰ و همین‌طور کنوانسیون ۱۹۷۲ یونسکو پیوست. - با توجه به صدور منشورهایی مانند کنوانسیون میراث فرهنگی ۱۹۷۲، و از سویی آموزش متخصصان حفاظت و مرمت، شاهد دیدگاهی جدید که هدف اصلی آن حفاظت از آثار و</p> | <p>*تشکیل وزارت فرهنگ و هنر سال ۱۳۴۳: - از اهداف این وزارت، حفاظت از میراث فرهنگی (شناسایی، پژوهش و معرفی)، همکاری مؤثر با سازمان‌ها و محققان خارجی، نظارت بر تهیه نقشه باستان‌شناسی کشور و شناسایی و تهیه شناسنامه فنی بناها و آثار، نظارت کلی بر تهیه و اجرای طرح‌های لازم به‌منظور حفاظت بناها و آثار و چینی‌جای‌های بارزش قدیمی (بندهای ۳ و ۴ و ۵) *شرح وظایف اداره کل حفاظت آثار باستانی (زیرمجموعه وزارت فرهنگ و هنر): - امور مربوط به ثبت در فهرست آثار ملی، آشناسازی مردم با اهمیت آثار و آموزش برای حفاظت آن‌ها، اقدامات حفاظتی در سطح بین‌المللی، ترتیب الحاق ایران به قراردادهای بین‌المللی مربوط به حفاظت اموال فرهنگی، تهیه و اجرای طرح‌های لازم برای حفاظت بناها و آثار و بافت‌های ارزشمند قدیمی، معرفی آثار به بازدیدکنندگان، تعیین حریم و عرصه و آزادسازی حریم به‌منظور حفاظت از آثار تاریخی، امور مربوط به معرفی و روشنایی آثار باستانی (نورپردازی، چاپ راهنما و پوستر و ... تربیت راهنمایان آثار تاریخی برای ارائه اطلاعات، تعیین ورودیه، ...)، مطالعه‌ی روش‌های تعمیر و حفاظت بناهای تاریخی، ص ۶۲ حقوق داخلی *صدور منشور ونیز ۱۹۶۴ م. *تشکیل سازمان ملی حفاظت آثار باستانی (۱۳۴۴): - از جمله اهداف: معرفی آثار باستانی به عموم مردم، تربیت کارشناسان و متخصصان باستان‌شناسی و حفاظت مرمت</p> | <p>مؤسسه ایتالیایی شرق میانه و دور - یزمئو ۱۹۷۸- /۱۹۶۴ ۱۳۴۳-۱۳۵۷</p> |

| | | | |
|--|--|---|---|
| <p>مرمت آن‌ها به‌منظور استحکام‌بخشی و همچنین کمک به درک و شناخت آثار و مفهوم آنهاست هستیم. -به نظر می‌رسد علاوه بر ارزش‌های مورد توجه در دوره‌های قبل، به واسطه نظام‌مند شدن و علمی‌تر شدن اقدامات حفاظتی و مرمتی، ارزش‌های دیگری نظیر ارزش‌های پژوهشی، آموزشی نیز مد نظر بوده‌اند. -همکاری ایزمئو با سازمان ملی حفاظت در امر مرمت و بازپیرایی تخت‌جمشید -توجه دستگاه سیاسی وقت به اهمیت پژوهش‌های علمی و استفاده از میراث فرهنگی در جهت سیاست‌های فرهنگی کشور</p> | <p>بناهای تاریخی (از سال ۱۳۵۲ اقدام به تشکیل کلاس‌های آموزشی ویژه حفاظت و مرمت برای معماران، باستان‌شناسان و سایر تخصص‌های موردنیاز سازمان نمود). *قانون اخذ مبلغ ۲۰ ریال عوارض از هر تن سیمان به نفع انجمن آثار ملی جهت تعمیر آثار تاریخی (ماده‌واحد) مصوب ۱۳۴۵ ه.ش *قانون خرید اراضی و ابنیه و تأسیسات برای حفظ آثار تاریخی و باستانی مصوب ۱۳۴۷ ه.ش *مرکز باستان‌شناسی ایران ۱۳۴۳ ه.ش: -برخی وظایف شامل شناخت و معرفی: اجتماع مردم ایران و نحوه زندگی آن‌ها، اوضاع جغرافیایی و سیاسی-اجتماعی و اقتصادی کشور، ... و ضوابط و معیارهای زیبایی‌شناسی در اعصار گذشته (ص ۱۱۲) *کنوانسیون میراث جهانی ۱۹۷۲ م.</p> | <p>بناهای تاریخی (از سال ۱۳۵۲ اقدام به تشکیل کلاس‌های آموزشی ویژه حفاظت و مرمت برای معماران، باستان‌شناسان و سایر تخصص‌های موردنیاز سازمان نمود). *قانون اخذ مبلغ ۲۰ ریال عوارض از هر تن سیمان به نفع انجمن آثار ملی جهت تعمیر آثار تاریخی (ماده‌واحد) مصوب ۱۳۴۵ ه.ش *قانون خرید اراضی و ابنیه و تأسیسات برای حفظ آثار تاریخی و باستانی مصوب ۱۳۴۷ ه.ش *مرکز باستان‌شناسی ایران ۱۳۴۳ ه.ش: -برخی وظایف شامل شناخت و معرفی: اجتماع مردم ایران و نحوه زندگی آن‌ها، اوضاع جغرافیایی و سیاسی-اجتماعی و اقتصادی کشور، ... و ضوابط و معیارهای زیبایی‌شناسی در اعصار گذشته (ص ۱۱۲) *کنوانسیون میراث جهانی ۱۹۷۲ م.</p> | |
| <p>کار مرمت در محوطه با حداقل کارکنان انجام می‌گرفت. حضور آقای حسن راهساز، یکی از دستیاران تیلیا که در ایتالیا آموزش دیده بود، برای اقدامات مرمتی بسیار سودمند بود. باین‌وجود، بسیاری از بناها و آثار تاریخی در تخت‌جمشید و سایر محوطه‌های تاریخی استان فارس با مشکلات جدی ناشی از گروه‌های کم‌تعداد مرمتگر ناکافی و با بودجه و لوازم فنی بسیار محدود روبرو بودند.</p> | <p>-اشاره به لزوم حفاظت از آثار به دلیل ارزش‌های درونی آن‌ها برای اولین بار در تشکیلات و قوانین کشوری -مفاهیم ارزشی از محدوده‌ی قدمت اثر و تنها ویژگی‌های ظاهری آن فراتر رفته، ارزش‌های فرهنگی و اجتماعی و پژوهشی و ... را نیز دربرمی‌گیرد. - توجه مجدد مردم با نگاهی تازه به تخت‌جمشید (بعد از فاصله‌ی عاطفی که ناشی از برگزاری جشن‌های ۲۵۰۰ ساله بود) که با حس ملی‌گرایی شدیدتری این آثار را متعلق به خود می‌دانستند. -در این دوران توجه و نگاه حفاظتی از صفت تخت‌جمشید فراتر رفته و به منطقه جغرافیایی وسیع‌تر اطراف آن، و از محدوده تاریخی و فرهنگی تخت جمشید به</p> | <p>*تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب سال ۱۳۶۴: -ماده واحد با اهداف: مطالعه و تحقیق آثار گذشتگان جهت معرفی ارزش‌های نهفته در آن‌ها، انجام پژوهش‌های باستان‌شناسی، بررسی و شناسایی و ثبت و حفاظت از آثار ارزشمند منقول و غیرمنقول فرهنگی-تاریخی کشور، تهیه و اجرای طرح‌های مرمت و احیاء آثار و بناها و مجموعه‌های با ارزش فرهنگی-تاریخی. *قانون اساسنامه سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۷: -از جمله وظایف (پژوهش، نظارت، حفظ و احیاء، معرفی) از ماده ۳ قانون: تهیه و اجرای برنامه‌های پژوهشی، تهیه و اجرای طرح‌های حفاظتی، تعمیر و مرمت و ... بناها و مجموعه‌های با ارزش فرهنگی-تاریخی، تعیین حریم بناها و محوطه‌ها و طراحی داخل حریم، معرفی آثار با ارزش فرهنگی-تاریخی از طریق موزه‌ها و نمایشگاه‌ها و ... معرفی و شناساندن ارزش‌های میراث در سطح ملی و بین‌المللی از طریق چاپ مجموعه مطالعات</p> | <p>دوران پس از انقلاب اسلامی: - مدیریت بارها برعهده افراد مختلف قرار گرفت و فعالیت‌هایی با تعداد ناکافی مرمتگران انجام شد. ۱۹۷۹- ۲۰۰۱/ ۱۳۵۸-۱۳۸۰</p> |
| <p>اقدامات مرمتی این دوره به لحاظ اجرا تا حدودی در ادامه اقدامات مؤسسه ایزمئو انجام می‌شود، ولی از لحاظ دیدگاه می‌توان گفت دیدگاه حفاظتی بر مرمتی پیشی گرفته است. دیدگاه از بازسازی صرف آثار تخت‌جمشید خارج شده، نگاه</p> | <p>فرهنگی تخت جمشید به</p> | <p>بناهای تاریخی (از سال ۱۳۵۲ اقدام به تشکیل کلاس‌های آموزشی ویژه حفاظت و مرمت برای معماران، باستان‌شناسان و سایر تخصص‌های موردنیاز سازمان نمود). *قانون اخذ مبلغ ۲۰ ریال عوارض از هر تن سیمان به نفع انجمن آثار ملی جهت تعمیر آثار تاریخی (ماده‌واحد) مصوب ۱۳۴۵ ه.ش *قانون خرید اراضی و ابنیه و تأسیسات برای حفظ آثار تاریخی و باستانی مصوب ۱۳۴۷ ه.ش *مرکز باستان‌شناسی ایران ۱۳۴۳ ه.ش: -برخی وظایف شامل شناخت و معرفی: اجتماع مردم ایران و نحوه زندگی آن‌ها، اوضاع جغرافیایی و سیاسی-اجتماعی و اقتصادی کشور، ... و ضوابط و معیارهای زیبایی‌شناسی در اعصار گذشته (ص ۱۱۲) *کنوانسیون میراث جهانی ۱۹۷۲ م.</p> | <p>بنیاد پژوهشی پارسه- پاسارگاد / ۱۳۸۰ ۲۰۰۱ تاکنون</p> |

| | | |
|---|--|---|
| <p>حفاظتی اهمیت بیشتری یافته است. - پروژه‌های بسیاری تعریف و اجرا با توسط این بنیاد نظارت‌شده است. - برگزاری کنفرانس‌ها و دوره‌های آموزشی حفاظت و مرمت - اعزام کارشناسان تخت‌جمشید به خارج از کشور جهت آموزش دوره‌های تخصصی</p> | <p>منظر فرهنگی آن گسترش‌یافته است. برای حفاظت از عرصه و حریم مجموعه اقدام به خرید اراضی اطراف نموده‌اند. توجه به میراث ناملموس به‌موازات اهمیت به وجوه ملموس آثار بیشتر به چشم می‌خورد. آموزش، مستندسازی، توجه به تهدیدات منطقه مانند گسترش کشاورزی و تأثیر آن بر محوطه، بررسی و پژوهش‌هایی در رابطه با حضور آلاینده‌ها، و ... از جمله نمونه‌هایی است که بر تلاش نسبت به قوت دادن رویکرد حفاظتی در محوطه صحنه می‌گذارند.</p> | <p>و تحقیقات و ... اجرای برنامه‌های آموزشی جهت آماده‌سازی نیروهای کارآمد، تشویق مردم به مشارکت در فعالیت‌های مربوط به شناسایی و حفظ و احیای میراث فرهنگی، برقراری ارتباطات و مبادلات علمی و فرهنگی با مؤسسات و نهادهای ملی و بین‌المللی و برگزاری کنگره‌ها و سمینارهای دوره‌ای ملی و بین‌المللی</p> <p>*منشور بورا ۱۹۹۹ م.</p> <p>*ماده ۱۱۴ قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی (۱۳۸۴-۱۳۸۸) وظایف دولت به‌منظور اهتمام ملی در شناسایی، حفاظت، پژوهش، مرمت، احیاء، بهره‌برداری و معرفی میراث فرهنگی کشور:</p> <p>- شناسایی و مستندسازی آثار تاریخی- فرهنگی در محدوده جغرافیایی اجرای طرح</p> <p>- ایجاد و تجهیز پایگاه‌های میراث فرهنگی در آثار تاریخی مهم کشور</p> |
|---|--|---|

جدول شماره ۱- دوره‌های حفاظتی و مرمتی در تخت‌جمشید

با عنایت به حساسیت و توجه و تمرکز سران و مسئولین وقت کشور بر روی این محوطه‌ی تاریخی، شاید بتوان تخت‌جمشید را مهم‌ترین یا حداقل یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های آغاز جدی رویکردهای حفاظتی نسبت به میراث فرهنگی کشور دانست، تا جایی که فاصله زمانی آغاز فعالیت‌های کوش و حفاظت در تخت‌جمشید، با صدور و تصویب قانون عتیقات در ایران تنها چند ماه فاصله دارد. قانون عتیقات در سال ۱۳۰۹ ه.ش (۱۹۳۰ م.) برای حفاظت از آثار عتیقه ایران توسط مجلس تصویب شد که در واقع می‌توان آن را اولین اقدام حقوقی دولت ایران برای حفاظت از آثار تاریخی و فرهنگی دانست، که یک سال پیش از تدوین و تأیید منشور آتن برای مرمت یادمان‌های تاریخی، به تصویب مجلس شورای ملی (وقت) و نظام‌نامه‌ی اجرای آن در ۱۳۱۱ ه.ش (۱۹۳۲ م.) به تصویب هیئت دولت رسید. در این قانون و نظام‌نامه‌ی اجرای آن، که در واقع برای سروسامان دادن به وضعیت نابسامان عتیقات (آثار و امکنه باستانی) و حفاظت و نگاهداری از آنها، شکل گرفت برای نخستین بار آثار عتیقه تعریف شد^۲. در این قانون علاوه بر آنکه بر حفاظت از طریق جلوگیری از هرگونه خراب کردن یا صدمه زدن به آثار ملی، جلوگیری از عملیات ساخت‌وساز در مجاورت ابنیه و ... تأکید شده است، به نکات قابل‌توجهی مانند مستندسازی از طریق تهیه فهرست، عکس و گزارش و همچنین توجه به استفاده از روش‌های سنتی در مرمت اشاره شده است (وطن‌دوست، ۱۳۹۵: ۲۸). نکته قابل‌تأمل دیگر این است که در این قانون شاخصه اصلی برای قرارگیری در فهرست آثار ملی، قدمت آثار است. همچنین در بند ۱۱ این قانون که در آن حفاری برای استخراج آثار ملی حق دولت دانسته شده، بر کشف و تعیین نوع و کیفیات آثار ملی تأکید شده است و در واقع فراتر از وجه فیزیکی و شکلی (عتیقه و تاریخی بودن اثر) به وجوه و ارزش‌های

دیگری اشاره نشده است. جدول ۱، دوره‌های حفاظتی و مرمتی در تخت جمشید همراه با خلاصه‌ای از فعالیت‌ها و رویکردهای هر دوره را نشان می‌دهد.

دوره‌ی اول مرمتی، که تقریباً با قوانین و منشورهای یادشده در سطور بالاتر هم‌زمان است، توسط مؤسسه‌ی شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو در تخت‌جمشید آغاز شد. در واقع چه در زمان تصدی‌گری پروفیسور هرتسفلد و چه بعد از او و در زمان مدیریت آقای اشمیت همچنان اولویت بر کشفیات باستان‌شناسی قرار داشت و مرمت به شیوه‌ی آناستیلوز یعنی برپایی و سوار کردن مجدد تکه‌های یافت شده انجام می‌شد. استفاده از ساختمان موزه‌ی فعلی تخت‌جمشید^۳ در سال ۱۳۱۶ به‌عنوان موزه‌ای برای نگهداری اشیاء به‌دست‌آمده، از اقدامات مهم دیگر در این دوره بود که با شرح وظایف وزارت معارف، اوقاف و صنایع مستظرفه هم‌راستا بود (جدول ۱). با آغاز جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۳۹م. اعضای مؤسسه‌ی شرق‌شناسی دانشگاه شیکاگو ایران را ترک کردند، و به‌این‌ترتیب دوره‌ی دوم فعالیت رسمی خود را از سال ۱۹۴۱م. (۱۳۲۰ ه.ش) (صرف‌نظر از مدیریت‌های متفرقه کوتاه‌مدت چندماهه بین سال‌های ۱۹۴۱-۱۹۳۹م.) زیر نظر وزارت فرهنگ وقت و اداره کل باستان‌شناسی، و توسط بنگاه علمی تخت‌جمشید به سرپرستی آقای علی سامی مدیر وقت محوطه، آغاز نمود. اقدامات این دوره تقریباً همانند دوره‌ی پیشین متمرکز بر حفاری، خاک‌برداری و صیانت از آثار به‌دست‌آمده بود. تعدادی از کارشناسان ایرانی علاقه‌مند که در دوره‌ی قبل تعلیم‌دیده و همکاری داشتند، جای خالی متخصصین خارجی را پر کردند، که البته به دلیل کمبودها و مشکلات مالی (برخلاف دوره‌ی اول یعنی مؤسسه دانشگاه شرق‌شناسی شیکاگو که هزینه‌ها از طریق بودجه‌های مالی خارج از کشور تأمین می‌شد) بسیار در مضیقه بودند. این مشکلات از عوامل مختلفی ناشی می‌شد که دو عامل مهم آن‌یکی هم‌زمانی با بروز جنگ جهانی دوم و مشکلات مالی در کشور بود، و عامل دوم را می‌توان به عدم درک کامل اهمیت و ارزش آثار تخت جمشید توسط تصمیم‌گیرندگان و اولیای امور مالی در دولت دانست که تخصیص بودجه مناسب و درخور را بی‌فایده و خرجی زائد می‌دانستند (مصطفوی و سامی، ۱۳۳۴: ۲۰). اما با وجود این مشکلات، حفظ و نجات آنچه نمادی از فرهنگ و تمدن ایران محسوب می‌شد، همراه با حس ملی‌گرایی که روزبه‌روز در حال ترویج و گسترش بود، بدون توقع مالی، انگیزه‌ی اصلی فعالیت‌های هیئت تصمیم‌گیرنده و اجرایی در تخت‌جمشید محسوب می‌شد. تصمیم‌گیرندگان این دوره نیز زمان و توجه بیشتری را بر حفاری و اکتشاف اختصاص می‌دادند، و همچنان مرمت به شیوه‌ی آناستیلوز و همانند دوره‌ی قبل ادامه داشت که البته مرمت و حفاظت‌هایی متعاقب حفاری‌ها انجام می‌گرفت. اقدام حفاظتی دیگر قابل‌ذکر کتابخانه و ماکت نمونه تخت‌جمشید است که هم به لحاظ نگهداری اسناد و مدارک مربوط به اطلاعات و کشفیات، و هم به لحاظ معرفی و مستند نگاری (همان‌گونه که در بند ۷ از نتایج کلی کنفرانس آتن، بخش "ارزش مستندسازی بین‌المللی" نیز بر اهمیت آن تأکید شده است)، اقدامی حائز اهمیت و قابل‌توجه در دوره‌ی خود محسوب می‌شود. در واقع شاید بتوان چنین اقداماتی در آن زمان را به دلیل ارائه ابزارهای دیگری علاوه بر خود آثار تاریخی، که به درک و شناخت ارزش‌ها و مفهوم و تاریخ اثر به مخاطب کمک می‌کنند و پل ارتباطی که میان آثار و افراد جامعه ایجاد می‌نمایند، گام‌هایی اولیه در جهت شکل‌گیری مدیریت حفاظت در محوطه‌ی تاریخی تخت‌جمشید دانست.

دوره‌ی سوم (مؤسسه ایتالیایی شرق میانه و دور-ایزمنو) که از سال ۱۹۶۴م. (۱۳۴۳ ه.ش) آغاز شد به‌عنوان یکی از مهم‌ترین دوره‌های تخت‌جمشید به لحاظ موضوع حفاظت و مرمت، و آغاز نظام‌مند شدن اقدامات حفاظتی و

مرمتی بر اساس قوانین و منشورها و دستورالعمل‌های جهانی شناخته می‌شود که با صدور منشور ونیز هم‌زمان است. برخلاف دوره‌های پیشین، در این دوره تمرکز بر روی حفاظت و مرمت است، و کمتر بر روی حفاری و کشفیات باستان‌شناسی، و در صورت حفاری نیز به لزوم هم‌زمانی و جداناپذیر بودن این دو یعنی حفاری و حفاظت-مرمت از یکدیگر تأکید می‌شده است. منشور ونیز به لزوم توجه به ارزش‌های تاریخی آثار اشاره داشته، هدف مرمت را مراقبت و آشکار ساختن ارزش زیبایی‌شناختی و تاریخی یادمان بیان می‌کند (ICOMOS 1964). بنابراین رویکرد غالب در این دوره را می‌توان متابعت از منشور ونیز دانست^۴. به‌علاوه این دوره به جهت تربیت و آموزش تعدادی از بهترین متخصصین ایرانی در زمینه‌ی حفاظت و مرمت سنگ نیز حائز اهمیت است. اما گذشته از نقش و عملکرد حفاظتی این مؤسسه (که در حال حاضر نیز همچنان روش‌ها و دیدگاه‌های حفاظتی و مرمتی‌شان کمابیش در ایران اجرا می‌شود) نمی‌توان به نقش کارشناسان ایرانی که خارج از این گروه و به‌طور مستقل، اما هم‌راستا با اهداف حفاظتی مجموعه، اقدامات یا طرح‌های هوشمندانه‌ای ارائه می‌دادند اشاره نکرد. یکی از این موارد طرح دکتر اکبر تجویدی است که یکی از برنامه‌های مهم او در جهت اهداف حفاظتی محوطه، تعیین حریم برای مجموعه بود^۵. موضوع تعیین عرصه و حریم برای بناها و محوطه‌های تاریخی و فرهنگی در شرح وظایف اداره کل حفاظت آثار باستانی بیان شده بود.

از دیگر اقدامات مهم در این دوره، که نشانه‌ی تقویت رویکرد حفاظتی در رده‌های بالاتر کشور است تأسیس سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی ایران بود که در سال ۱۳۴۴ ه.ش یعنی یک سال بعد از شروع فعالیت مؤسسه‌ی ایزمئو اتفاق افتاد. در واقع تأسیس این سازمان هم‌جهت با اهداف تجددگرایی کشور برای حفظ آثار تاریخی همانند کشورهای صنعتی جهان بود. توجه ویژه‌ی برخی مقامات دربار، افزایش قیمت نفت در دهه‌ی پنجاه و حضور روزافزون خارجی‌ان به‌عنوان نیروی کار متخصص و یا جهانگرد در ایران همگی زمینه‌های انجام اقدامات بسیار مهمی را در عرصه‌ی میراث فرهنگی کشور فراهم آورد (شیرازیان، ۱۳۹۴: ۱۷). با تأسیس این سازمان علاوه بر ارائه‌ی فهرستی از اقدامات ضروری، اولین هدف تعریف‌شده موضوع معرفی متناسب آثار باستانی به عموم مردم و آگاهی‌بخشی بوده تا مردم به سهم خود در حفاظت و نگهداری از این میراث بکوشند. در بند دوم اهداف یادشده، موضوع حفاظت و مرمت آثار باستانی عنوان‌شده و مرمت علمی آثار و بناهای تاریخی از اهم وظایف سازمان ملی حفاظت از آثار باستانی عنوان‌شده است (صمدی، ۱۳۸۲: ۸۶). البته کمی پیش از تأسیس این سازمان، موضوع آشناسازی مردم با اهمیت آثار (به روش‌های مختلف مانند چاپ عکس و پوستر، ترتیب راهنمایان آثار تاریخی جهت ارائه اطلاعات و ...)، و آموزش همگان برای حفاظت از میراث، الحاق ایران به قراردادهای بین‌المللی در زمینه‌ی حفاظت اموال فرهنگی، تعیین عرصه و حریم و آزادسازی حریم، و حتی مواردی مانند تعیین ورودی برای محوطه‌های تاریخی به‌عنوان بخشی از شرح وظایف اداره کل حفاظت آثار باستانی مطرح‌شده بود، و تصویب قانون دیگری^۶ مبنی بر تخصیص عواید حاصل از عوارض سیمان به نفع اقدامات مرمتی و حفاظتی آثار تاریخی (همان: ۳۹)، همگی نشان از حرکت به‌سوی رویکرد حفاظتی میراث در قالب اشکال مختلف دارند. این دوره به جهت هم‌زمانی آن با تحولات اجتماعی و سیاسی کشور نیز بسیار حائز اهمیت است. ایران در عرصه‌ی بین‌المللی به ثروت نفتی و همین‌طور تاریخ باشکوهش مفتخر بود، و ترکیب این دو فرصتی را برای تمهید برنامه‌های جدیدی در جهت پیشبرد اهداف سیاسی به وجود می‌آورد (Hodjat 1995: 200). در واقع دسترسی به اهداف سیاسی انگیزه‌ای شد تا محوطه‌های تاریخی به‌عنوان یکی از دو قطب

اقتدار کشور، به مکان‌هایی برای برگزاری جشن‌ها و مراسم ویژه و در نتیجه جلب توجه جهانیان تبدیل شوند. صرف‌نظر از تحلیل‌ها و مباحث سیاسی و اقتصادی که حول برگزاری این جشن‌ها مطرح بوده، که از حیثه‌ی تخصصی این جستار خارج است، تنها به بررسی نقش آن در حفاظت محوطه‌ی تاریخی تخت‌جمشید پرداخته می‌شود.

سازمان‌دهی جشن‌های ۲۵۰۰ ساله برای برگزاری مراسمی مجلل در خرابه‌های تخت‌جمشید رویداد بسیار مهم و بحث‌برانگیزی بود که طرح آن توسط شجاع‌الدین شفا مشاور وقت وزارت دربار به محمدرضاشاه پیشنهاد شد، اما به دلیل اینکه کشور در گیرودار توسعه و در نتیجه با کمبود زمان و بودجه مکفی روبرو بود، تحقق آن ده سال طول کشید (Kadivar 2002). هدف از برگزاری این مراسم که طی روزهای دوازدهم تا هجدهم اکتبر ۱۹۷۱ م.، سالگرد فوت کوروش کبیر (۵۳۰ پ.م.) صورت گرفت، نشان دادن شکوه گذشته، و پیشرفت جاری ایران بود. این مراسم به‌منظور «بیدارسازی مجدد مردم ایران نسبت به گذشته‌شان، و بیدارسازی دوباره‌ی دنیا نسبت به ایران» انجام گرفت (Grigor 2005: 27). تعدادی از پژوهشگران به این مراسم اعتراض کردند، از جمله جوزپه توجی رئیس مؤسسه‌ی ایزمئو که ناخوشنودی‌اش را در پیشگفتار جلد اول کتاب بررسی و مرمت در تخت‌جمشید ابراز نمود. او معتقد بود از اجرای بعضی کارها در چنین مکانی که در آن «طبیعت و انسان، این‌سان دقیق در خلق صحنه‌ای یکتا و بی‌نظیر همکاری کرده‌اند، باید اجتناب ورزید»، و به‌ویژه به نصب دستگاه نور و صدا اشاره می‌کند که حرمت منظره‌ی محوطه را مخدوش می‌نماید (تیلیا، ۱۳۵۱: دیباچه). در سال ۱۳۴۷ ه.ش (۱۹۶۸ م.)، مقامات تصمیم گرفتند تا جاده‌ی آسفالت کنونی را در مسیر جناح غربی تراس بسازند. تجویدی با این پروژه مخالف بود زیرا موجب می‌شد تا نشانه‌ها و بخش‌های باقی‌مانده از شهر تخت‌جمشید که او هنوز موفق به مطالعه‌ی تمامی آن نشده بود از بین برود. اما محسن فروغی، مشاور وزیر فرهنگ و هنر وقت ایران، در بازدید از محوطه، پاسخ داد: «دکتر تجویدی، من نگرانی شما را درک می‌کنم، اما این پروژه‌ای ملی است، و باید انجام شود حتی به بهای آسیب دیدن بخشی از بقایای باستانی» (Mousavi 2012: 206). برگزاری این جشن که بنا بود در پاییز ۱۹۷۱ م. برگزار شود، ایجاب می‌کرد تا کارها و فعالیت‌های مرمتی و پژوهشی به‌گونه‌ای صورت گیرند که مداخله‌ای در برنامه‌های آماده‌سازی جشن نداشته باشند. اما در عوض پذیرش این محدودیت‌ها (برای گروه‌های حفاظتی و مرمتی در تخت‌جمشید)، برنامه‌های پژوهشی آنان از اعتبارات سخاوتمندانه‌ای که برای آماده‌سازی جشن‌ها فراهم‌شده بود بهره می‌برد (همان: ۲۰۵)، که این اقدام علاوه بر برطرف کردن نگرانی‌های مالی مسئولین حفاظت و مرمت محوطه، سرعت انجام تشریفات اداری معمول را جهت انجام امور حفاظتی و مرمتی مربوطه بالا می‌برد. علاوه بر جشن‌های ۲۵۰۰ ساله، پیش از آن و از سال ۱۹۷۰ م. (۱۳۴۹ ه.ش) نیز شیراز محل برگزاری جشن فرهنگ و هنر بود که به دلیل ارتباطی که با تخت‌جمشید داشت از این محوطه نیز برای برگزاری برنامه‌هایی مانند تئاتر، موسیقی، رقص و غیره استفاده می‌شد. برگزاری مراسمی خاص در محوطه‌های تاریخی به دلیل ایجاد فرصت‌هایی برای حضور میراث تاریخی در زندگی و متن جامعه می‌تواند نقش مثبت مهمی در جلب توجه عموم مردم نسبت به اهمیت و ارزش میراث کشور ایفا کند، اما باید در نظر داشت که برگزاری چنین مراسمی در شیراز به‌عنوان شهری مذهبی، خواه‌ناخواه موجب برانگیخته شدن نارضایتی بخشی از مردم نسبت به آثار تاریخی‌ای می‌شد که این رویدادها در آن رخ می‌دادند زیرا در این مکان شاهد برگزاری برنامه‌هایی بودند که با عقاید و دیدگاه‌های مذهبی و سنتی‌شان کاملاً مغایرت داشت،

به‌طوری‌که سال‌ها پس‌از آن، انعکاس این رویدادها بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به‌صورت هجوم گروه‌هایی برای تخریب تخت‌جمشید بروز نمود، که خوشبختانه با دخالت جمعی از مردم آگاه دفع شد. مهدی حجت، یکی از بنیان‌گذاران و اولین رئیس سازمان میراث فرهنگی ایران در سال ۱۳۶۴ ه.ش، این واقعه را موردانتقاد قرار می‌دهد و در بخشی از صحبت‌های خود می‌گوید: چنین اقداماتی سهواً موجب مخالفت و نفرت عمومی نسبت به آثار تاریخی که چنین رویدادهایی در آن اتفاق می‌افتد می‌شود (Mousavi 2012: 201). در واقع اقداماتی این‌چنین، باعث شده بود تا شکافی عمیق بین گروه بزرگی از مردم و آثار تاریخی به وجود بیاید. از نگاه آن روز مردم، انگیزه و هدف اصلی دولت از حفاظت از آثار تاریخی به‌ویژه آثار پیش از اسلام، سوءاستفاده از آثار تاریخی و هنری در جهت اهداف سیاسی بود. البته در کنار چنین نگرش‌هایی از سوی دولت و هم مردم، افراد فرهیخته‌ای نیز در میان معلمین، باستان‌شناسان، موزه‌داران، معماران، هنرمندان، و غیره وجود داشتند که تلاش می‌کردند ارزش‌های واقعی میراث تاریخی و فرهنگی را، بدون ارتباطی با جریانات سیاسی موردبحث آن زمان یادآوری نمایند. به‌عنوان مثال اکبر تجویدی در مقاله‌ای که در شماره ۱۰ مجله هنر و مردم، سال ۱۳۴۲ ه.ش، با عنوان "از آثار باستانی و زیبای کشور خود نگاهداری کنیم" چاپ نمود، به شهر ونیز به‌عنوان یکی از شهرهای تاریخی که مردمانش به دلیل شناخت صحیح نسبت به آثار و ذوق زیبایی‌شناسانه‌شان حساسیت بیشتری نسبت به میراث هنری خوددارند اشاره می‌کند، و آن را با شاهکارها و آثار تاریخی بی‌نظیر کشورمان مقایسه می‌کند، و نتیجه می‌گیرد که حفاظت از آثار تاریخی جز با شناخت و درک درست همه مردم یک کشور، از خرد و بزرگ، به ارزش و زیبایی آن‌ها میسر نیست (تجویدی، ۱۳۴۲). اما درنهایت این موضوع یعنی درک ارزش‌های واقعی آثار به دلایل وجودی خود آن‌ها، چیزی است که به نظر می‌رسد در جامعه آن روز ایران کمتر به آن پرداخته می‌شد.

گروه مرمت ایتالیایی (ایزمو) در پی آغاز انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۸ ه.ش کشور را ترک کردند، اما فعالیت‌های مرمتی همچنان ولی بسیار محدود و با تعداد کم کارکنان باقی‌مانده در تخت‌جمشید ادامه یافت، که طبیعتاً به دلیل محدودیت‌ها در ابزار و وسایل، منابع مالی و نیروی انسانی، کار به‌سختی و به‌کندی پیش می‌رفت. با این‌وجود به دلیل درگیر بودن کشور در جریان انقلاب و بافاصله‌ی کوتاهی، جنگ تحمیلی با عراق، و تغییر و تحولات مربوطه، کمکی در جهت اعزام نیروها یا تجهیزات مورد نیاز به محوطه انجام نمی‌گرفت. از سوی دیگر وابستگی تخت‌جمشید با حکومت پهلوی موجب مغضوبیت و بی‌اعتباری این محوطه بعد از وقوع انقلاب اسلامی شد. در سال‌های نخستین بعد از انقلاب اسلامی، برای نشان دادن اقدامات خودخواهانه دولت پهلوی، در صداوسیما از تصاویر مربوط به جشن‌ها و مراسم تخت‌جمشید استفاده می‌شد که بازهم موجب لطمه به این محوطه‌ی تاریخی و ایجاد فاصله میان آن و مردم شد. حتی باوجودی که تخت‌جمشید در سال ۱۳۵۸ (۱۹۷۹ م.) در فهرست میراث جهانی یونسکو ثبت شد، شایعاتی از تلاش برای تخریب محوطه توسط عده‌ای، در هفته‌های آغازین بعد از انقلاب مطرح بود، که البته مدرکی مبنی بر چنین تخریبی وجود ندارد (Mousavi 2012: 206). در واقع چندین سال وقت لازم بود تا محوطه‌ی تاریخی تخت‌جمشید تبدیل به یکی از نقاط اصلی و مهم فعالیت‌های باستان‌شناختی و حفاظت شود، و علاقه‌مندی به آثار تاریخی، خصوصاً آثار پیش از اسلام در جامعه شکل گیرد. تا اینکه در سال ۱۳۷۰ ه.ش زمانی که اکبر هاشمی رفسنجانی، رئیس‌جمهور وقت، از تخت‌جمشید بازدید کرد، مشاهده آثار شگفت‌انگیز تخت‌جمشید را موجب بیداری حس

غرور ملی در ایرانیان خواند و اینکه مردم با دیدن این آثار می‌توانند توانایی‌های خود و پیشینه‌ی فرهنگی و تمدن کشورشان را کشف کنند و باور کنند که می‌توانند در آینده نقش تاریخی خود را باز یابند (تحلیل سبز نیوز کازرون، ۱۳۹۴).

در سال ۱۳۸۰ ه.ش بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد (که می‌توانیم به‌عنوان آغازگر دوره‌ی چهارم حفاظت و مرمت در تخت‌جمشید از آن نام ببریم) تأسیس و کار خود را در منطقه آغاز نمود. در این دوره که تاکنون ادامه دارد، توجه و نگاه حفاظتی از صفا تخت‌جمشید فراتر رفته و به منطقه جغرافیایی وسیع‌تر اطراف آن، و از محدوده‌ی تاریخی و فرهنگی تخت‌جمشید به منظر فرهنگی آن گسترش یافته است. برای حفاظت از عرصه و حریم مجموعه اقدام به خرید اراضی اطراف نموده‌اند. توجه به میراث ناملموس به‌موازات اهمیت به وجوه ملموس آثار بیشتر به چشم می‌خورد. آموزش، مستندسازی، توجه به تهدیدات منطقه مانند گسترش کشاورزی و تأثیر آن بر محوطه، بررسی و پژوهش‌هایی در رابطه با حضور آلاینده‌ها، و ... از جمله فعالیت‌هایی است که بر تلاش نسبت به قوت دادن رویکرد حفاظتی در محوطه صفا می‌گذارند. شاید بتوان ریشه نگرش و اقدامات یادشده را در قوانین تصویب‌شده در میراث فرهنگی کشور و ناگزیر در تغییر دیدگاه‌ها در این حوزه در سال‌های اخیر دانست. در اهداف قانون تشکیل سازمان میراث فرهنگی کشور مصوب ۱۳۶۴، به مطالعه و تحقیق در آثار بازمانده از گذشتگان جهت معرفی ارزش‌های نهفته در آن‌ها، بررسی، شناسایی، ثبت و حفاظت از آثار ارزشمند فرهنگی-تاریخی و تهیه و اجرای طرح‌های لازم به‌منظور تعمیر و احیاء آثار، بناها و مجموعه‌های باارزش فرهنگی-تاریخی و ... اشاره شده است (صمدی، ۱۳۸۲: ۱۲۷). همچنین در اساسنامه سازمان میراث فرهنگی مصوب ۱۳۶۷، میراث فرهنگی شامل آثار باقی‌مانده از گذشتگان تعریف‌شده که نشانگر حرکت انسان در طول تاریخ است ... از نظر این قانون معیار در نظر گرفته‌شده برای اثر، تاریخی است، و از سویی دارای ماهیت و ارزش فرهنگی است زیرا به‌عنوان یک سند تاریخی، قادر است ارزش‌های تاریخی، فرهنگی، هنری و اجتماعی نهفته در خود را در جامعه کنونی جاری سازد (همان: ۱۳۱). همچنین مطابق ماده ۲ از قانون یادشده، ارزش‌های فرهنگی-تاریخی میراث که در طول تاریخ توسط مردم پدید آمده، به‌عنوان اصول فرهنگ و هویت ملی در میراث فرهنگی کشور بروز یافته‌اند و بستر زاینده متغیرهای فرهنگی و اجتماعی می‌باشند. در آیین نامه اموال فرهنگی، هنری و تاریخی نهادهای عمومی و دولتی مصوب ۱۳۸۱/۱۲/۷ هیئت‌وزیران نیز، اموال فرهنگی-تاریخی و هنری، به‌عنوان اموالی معرفی شده‌اند که از نظر علمی، تاریخی، فرهنگی، باستان‌شناسی، دیرین‌شناسی و هنری حائز اهمیت هستند (همان: ۲۰۶). بنابراین در این دوره صرف عتیقه بودن و یا حتی تاریخی بودن اثر، انگیزه و هدف حفاظت از آن نیست، بلکه میراث به‌واسطه‌ی شاخصه‌ها و ارزش‌های درونی و مفهومی‌تری شایستگی حفاظت و حضور در زندگی اجتماعی و فرهنگی جامعه را دارد.

از جنبه‌ی فنی و اجرایی نیز، شاید بتوان محدود کردن اقدامات مرمتی به‌مرور زمان و تمرکز بیشتر بر مقوله‌ی حفاظت نسبت به مرمت را، از تغییرات دیدگاهی قابل توجه در این دوره دانست.^۱ علاوه بر اقدامات حفاظتی و مرمتی، و همچنین فعالیت‌های میدانی که در محوطه‌های تاریخی استان فارس صورت گرفته و همچنان ادامه دارد، طی سال‌های اخیر پژوهش‌های زیادی در زمینه‌ی علوم مختلف مرتبط از جمله زمین‌شناسی، شیمی، فیزیک، فلسفه، تاریخ هنر، مردم‌شناسی و ... در تخت‌جمشید و محوطه‌های اطراف آن انجام و در کنفرانس‌ها و مجلات مختلف ارائه شده‌اند که ضمن کمک به شناسایی بیشتر آثار این منطقه،

توانسته‌اند وجوه مختلفی از ارزش‌های آثار را کشف و نمایان کنند. طی سال‌های گذشته شاهد رشد علاقه‌مندی نسبت به بازسازی تخت‌جمشید به‌صورت مدل و یا دیجیتالی، توسط پژوهشگران و مستندسازان نیز بوده‌ایم، که این اقدامات در قالب معروفی، خود نقش بسیار مهمی در حفاظت این آثار داشته و دارند. در جمله‌ای کوتاه، حفاظت از تخت‌جمشید هیچ‌گاه جدا از شرایط و بستر اجتماعی و فرهنگی و سیاسی کشور نبوده است و این دو همواره تحت فشار یکدیگر بوده‌اند. به‌گونه‌ای که در زمان‌هایی تخت‌جمشید خود انگیزه‌ی اصلی برای پیشرفت و ارتقاء وجوه مختلف فرهنگی در جامعه بوده، و گاه نیز رویدادها و یا تصمیم‌گیری‌های اجتماعی و سیاسی، حفاظت یا نوع تصمیمات حفاظتی محوطه را تحت فشار قرار داده‌اند.

۵. نتیجه

همان‌گونه که محوطه‌های تاریخی از موقعیت مکانی که در آن واقع شده‌اند، و همچنین از تاریخی که شواهد آن را دربردارد جدایی‌ناپذیرند (منشور ونیز، ۱۹۶۴)، به بستر فرهنگی و اجتماعی که در طول زمان با آن در ارتباط و از یکدیگر متأثر بوده‌اند نیز وابسته‌اند. بنابراین مانند هر ارتباطی، هرچه آگاهی و درک نسبت به ارزش‌های عوامل ارتباط، بالاتر و قوی‌تر باشد، ارتباط پایدارتر و ایمن‌تری پدید می‌آید. در روزگاری که میان دولت ایران و فرانسه به‌طور قانونی قراردادی ۶۰ ساله برای حفاری و خروج آثار تاریخی از کشور امضاء می‌شود (۱۲۷۴ ه.ش)، چه کسی می‌تواند به مردمی خرده بگیرد که پیش‌تر یا در همان دوران از سنگ‌های تخت‌جمشید و پاسارگاد برای ساخت خانه‌های خود استفاده می‌کردند (سامی، ۱۳۵۵). شناخت آثار نه‌فقط با کالبد و شکل بیرونی، که با ارزش‌ها و مفاهیم درونی اثر محقق می‌شود، و دستیابی به این مهم موجب افزایش سطح حساسیت و علاقه‌مندی جامعه نسبت به حفظ آثار تاریخی و مسوولیت‌پذیری آن‌ها در قبال آثار می‌شود. و این اتفاقی است که در ایران، تا حدودی بعد از بیداری حس ملی‌گرایی در کشور آغاز شد. اما این بی‌معنی حل همه‌ی مشکلات نبود، زیرا اولاً برای نهادینه شدن هر تفکری در جامعه، سال‌ها ممارست و تلاش و آموزش و آگاهی‌بخشی لازم است، که علاوه بر صرف وقت و سرمایه‌گذاری مالی، به برنامه‌ریزی‌های هدفمند کوتاه‌مدت و بلندمدتی نیاز است تا در درجه‌ی اول آثار تاریخی به مردم شناسانده شده، و سپس ضرورت حفاظت از این آثار وظیفه همه‌ی افراد جامعه دانسته شود. موضوع دیگر عدم هم‌راستا و هم‌جهت بودن دیدگاه‌های حفاظتی تصمیم‌گیرندگان اعم از حفاظت‌گران، مسوولین و مقامات کشوری در دوره‌های مختلف است. تا جایی که گاه اختصاص بودجه مکفی برای اقدامات حفاظتی منوط به برآورده شدن اهداف سیاسی و یا اجتماعی می‌شود، و حتی در زمانی که منافع این دو، در مقابل هم قرار می‌گیرند، با تکیه بر همان اصل ملی‌گرایی که زمانی عامل نجات‌بخش آثار تاریخی و فرهنگی بود، در رقابت با اهداف سیاسی و اجتماعی، در بسیاری از موارد آن که مغموم می‌شود اثر تاریخی است.

علی‌رغم اینکه حفاظت از محوطه‌ی تاریخی تخت‌جمشید، وظیفه‌ی همگان از کوچک و بزرگ تا مسوولین در همه‌ی سطوح است، اما بدیهی است به لحاظ حرفه‌ای حفاظت‌گران و مرمتگران نقشی ویژه برعهده دارند. تخت‌جمشید نیز مانند هر اثر تاریخی دیگری و مانند هر موجودیتی در دنیا، با گذر زمان دستخوش تغییرات کالبدی می‌شود و خواه‌ناخواه رو به کهولت و زوال می‌گذارد، اما این به این معنی نیست که ارزش‌های وجودی و مفهومی آن نیز روبه‌زوال رود، بدان گونه که در دوره‌ای که شرح آن آمد، به‌واسطه‌ی پیوند این محوطه با

تبلیغات حکومتی، عشق به این آثار جای خود را به کینه و نفرت داد و کالبد اثر را نیز در معرض خطر جدی قرارداد. با عنایت به آنچه گفته شد، به نظر می‌رسد دیدگاهی که می‌تواند در کنار تفهیم ارزش‌های میراث در جامعه، تضمین‌کننده‌ی پایایی حفظ میراث در همه‌ی دوره‌ها شود، در نظرگیری استقلال هویتی و تاریخی اثر در همه‌ی ادوار و فارغ از ناملایمات و رویدادهای اجتماعی و سیاسی متلاطم جامعه باشد، آن‌چنان‌که در عین این‌که به‌عنوان جزئی لاینفک از کالبد جامعه بدان نگریسته می‌شود که همگان در حفظ آن به‌عنوان بخشی از پیکر خود و پیشینیان خود کوشا هستند، در بحبوحه‌ی ناملایمات اجتماعی و سیاسی نتوان حیات و سرنوشت آن را در بازی رقابت با عوامل دیگر جامعه، مورد تهدید قرارداد. در زمانی که برای حفاظت از میراث فرهنگی هنگام وقوع جنگ با کشوری دیگر، و برای تأکید بر اهمیت آثار تاریخی، کنوانسیون لاهه (UNESCO 1954) تصویب می‌شود، جامعه‌ای که خود مالک اثری تاریخی است، چگونه می‌تواند حفاظت از آثارش را منوط به تغییرات و در نظرگیری اولویت‌های دیگری کند که در جریان افت‌وخیزهای جامعه در کشور ممکن است رخ دهد؟ و اگر لحاظ چنین اهمیت و درک و استقلالی در حفظ آثار نه‌فقط از جنبه‌ی کالبدی که مهم‌تر از آن به لحاظ مفهوم و ارزش اثر، به‌عنوان یک هدف محقق شود، حتی گذر سال‌ها و زوال تدریجی غیرقابل کنترل کالبد اثر نیز، قادر نخواهد بود ارزش و اهمیت میراث تاریخی و فرهنگی و لزوم حفاظت از آن را خدشه‌دار نماید. زیرا اکنون به آثاری مانند تخت‌جمشید نه‌فقط به‌عنوان ثروتی که جامعه مالک آن است، بلکه به‌عنوان بخشی از بدنه و پیکره‌ی جامعه نگریسته می‌شود که حتی بی‌توجهی دوره‌ای و مقطعی نسبت به آن و ارزش‌های آن نیز می‌تواند لطمات جبران‌ناپذیری را بر قامت جامعه به بار بیاورد.

پی‌نوشت‌ها

- ۱- در طی فرآیند تکمیل این پژوهش با متخصصانی چون: دکتر محمدحسن طالبیان (معاون میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری)، دکتر رسول وطن‌دوست (رئیس سابق پژوهشکده حفاظت و مرمت آثار تاریخی و فرهنگی)، پروفیسور یوکا یوکیلهتو (معاون سابق مؤسسه ایکروم ایتالیا)، دکتر استفانو دی کارو (رئیس مؤسسه ایکروم ایتالیا)، مهندس شهرام رهبر (مدیر بخش حفاظت و مرمت تخت جمشید) مصاحبه شد.
- ۲- ماده ۱ نظامنامه اصلاح شده اجرای قانون دوازدهم آبان ماه ۱۳۰۹ راجع به حفظ آثار عتیقه ایران.
- ۳- ساختمان این موزه (که متشکل از یک ایوان، دو گالری و یک تالار است) بین سال‌های ۱۳۱۳-۱۳۱۱ توسط کرافتر معمار آماده شد.
- ۴- مصاحبه با آقای دکتر محمدحسن طالبیان (معاون میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری).
- ۵- بعدها در سال ۱۳۹۰ ش.ه. نقشه حریم تخت‌جمشید، نقش‌رستم و شهر استخر بازنگری و تهیه و به تصویب سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری رسید (یزدانی، ۱۳۹۰).
- ۶- مصوب ۱۹ اردیبهشت ۱۳۴۶ ه.ش.
- ۷- مصاحبه با آقای دکتر محمدحسن طالبیان (معاون میراث فرهنگی سازمان میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری).

منابع

- اسناد هیئت‌های باستان‌شناسی در ایران (۱۳۸۰)؛ سازمان اسناد ملی ایران؛ پژوهشکده اسناد، ۱۳۵۴-۱۳۴۵ خورشیدی.
- اشمیت، اریش ف. (۱۹۵۳)؛ *تخت جمشید / بناها، نقشه‌ها، نبشته‌ها*؛ تهران، مؤسسه انتشارات فرانکلین-مؤسسه انتشارات امیرکبیر.
- انصاف پور، غلامرضا (۱۳۶۳)؛ *ایران و ایرانی، به تحقیق در صد سفرنامه دوران قاجاریه*؛ تهران: زوار.
- تجویدی، اکبر (۱۳۴۲)؛ "از آثار باستانی و زیبای کشور خود نگاهداری کنیم"؛ هنر و مردم، دوره ۱، شماره ۱۰. مرداد.

تیلیا، آن بریت (۱۳۵۱)؛ بررسی و مرمت در تخت جمشید و دیگر اماکن باستانی فارس؛ تهران، سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران.

سامی، علی (۱۳۴۸)؛ "یادی از خاور شناسان و دیدار آن‌ها از تخت جمشید"؛ هوجت، دوره بیستم، شماره ۱۲، صفحه ۳۳. سامی، علی (۱۳۵۵)؛ "نخستین دیدار اعلیحضرت رضا شاه کبیر از ویرانه‌های تخت جمشید"؛ بررسی‌های تاریخی؛ شماره ۶۷، اسفند.

شیرازیان، رضا (۱۳۹۴)؛ "نگاهی کوتاه به نقش زنده‌یاد آیت‌الله‌زاده شیرازی در حفاظت از میراث فرهنگی در ایران"؛ روزنامه ایران، کد خبر: ۷۸۱۶۷، تاریخ: ۲۷/۵/۱۳۹۴.

صمدی، یونس (۱۳۸۲)؛ میراث فرهنگی در حقوق داخلی و بین‌الملل؛ تهران، سازمان میراث فرهنگی کشور (پژوهشگاه). غنمی، امید و صمدی، یونس و چراغچی، سوسن. (۱۳۸۶)؛ مجموعه قوانین، مقررات، آیین‌نامه‌ها و معاهدات سازمان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری؛ اداره کل امور فرهنگی. تابستان ۸۶. کروچی، جورجو؛ یومانس، داوید (۱۳۸۳)؛ "توصیه‌هایی برای تحلیل، حفاظت و مرمت سازه‌های میراث معمارانه"، اثر، باقر آیت‌الله زاده شیرازی؛ شماره ۳۶ و ۳۷، تابستان.

مصطفوی، محمد تقی و سامی، علی (۱۳۳۴)؛ تخت جمشید؛ شیراز: موسوی. موسوی، علی (۱۳۸۱)؛ "ارنست هرتسفلد و تحول باستان‌شناسی در ایران، ۱۳۱۴-۱۳۰۴"؛ باستان‌شناسی و تاریخ، سال هفدهم، شماره اول، شماره پیاپی ۳۳، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.

وطن دوست، رسول (۱۳۹۵)؛ مقدمه کتاب خوانش‌هایی در حوزه‌ی حفاظت، جستارهای تاریخی و فلسفی در حفاظت از میراث فرهنگی؛ ویراستاران نوشته‌های لاتین: پرایس، نیکلاس استانلی؛ تالی، مانسفیلد کری؛ واکارو، الساندرا ملوکو؛ تهران، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری.

یزدانی، افشین (۱۳۹۰)؛ مستندات بازنگری و تهیه نقشه اجرایی حریم‌های درجه یک و دو به همراه تبیین حریم درجه سه (چشم انداز) محوطه میراث جهانی تخت جمشید، نقش رستم و شهر استخر؛ پروژه میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، بنیاد پژوهشی پارسه-پاسارگاد.

Avrami, E., Mason, R., De La Torre M., 2000. *Values and heritage conservation, research report, Los Angeles, The Getty Conservation Institute.*

Grigor, T., 2005. *Preserving the antique modern: Persepolis '71; future anterior, Journal of Historic Preservation History Theory, 2 (1): 22-29.*

Hodjat, M., 1995. *Cultural heritage in Iran: policies for an Islamic country, DPHIL Dissertation, Institute of Advanced Architectural Studies, University of York.*

ICOMOS (1931). *The Athens Charter for the restoration of historic monuments, ICOMOS (1964) International Charter for the Conservation and restoration of Monuments and Sites (The Venice Charter).*

ICOMOS (1999). *The Australia ICOMOS Charter for the conservation, places of cultural significance, The Burra Charter (1999).*

ICOMOS International Charter for the Conservation and restoration of Monuments and Sites (The Venice Charter 1964)

Kadivar, C., 2002. *2500 years of Iranian Monarchy celebrations in Persepolis 1971, http://www.iranian.com/Cyrus-Kadivar/2002/January/2500/index.html.*

Mason, R., 2002. *Assesing values in conservation planning: methodological issues and choices. Los Angeles: The Getty Conservation Institute.*

Mousavi, A. 2012. *Persepolis: discovery and afterlife of a world wonder, Walter de Gruyter, Inc., Boston/Berlin.*

Philippot, P., 1972. *Historic preservation: philosophy, criteria, guidelines, I, in: Price, N., Stanley, T. Jr., Kirby, M., Vaccaro, Melucco, A., (eds.), historical and philosophical issues in*

the conservation of cultural heritage, Los Angeles, The Getty Conservation Institute pp.268-274.

Throsby, D., 2001. *Economics and culture*. Cambridge, Cambridge University Press

Britt, Tilia, A., 1972 *Studies and restorations at Persepolis and other sites of Fars*; ISMEO, Rome.

UNESCO (1954). *Convention for the protection of cultural property in the event of armed conflict with regulations for the execution of the convention, The Hague 1954.*

UNESCO 1972. *The general conference of UNESCO adopted on 16 November 1972 the recommendation concerning the protection at national level, of the cultural and natural heritage,*

UNESCO World Heritage Center. <http://whc.unesco.org/en/list/114>